



درس پنجم

اختیارات شاعری^(۱)

زبانی

دلا بسوز که سوز* تو کارها بکند
 - UU - U-U - UU - U-U
 نیاز نیم شبی دفع صد بلا بکند

دنیا نیرزد آن که پریشان کنی* دلی
 - U - U - UU - U - U - -
 زنهار بد مکن که نکرده است عاقلی



تاکنون آموختیم که وزن و آهنگ شعر در دو مصراع، آن چنان هماهنگی دارند که گوش آشنا به وزن شعر، از شنیدن آن، موسیقی هموار و گوش نوازی را درک می کند.

دو مصراع یک بیت، از دید ضرب آهنگ و چینش نشانه های هجایی باید بسیار منظم و دقیق با یکدیگر هم آوایی و همخوانی داشته باشند. هماهنگی موسیقایی مصراع ها، بیانگر نظام و انسجام بافت آهنگین و همگونی چینش نشانه های آوایی است. گاهی تناسب آوایی، یکسانی و هم نوایی مصراع ها، دستخوش ناهمگونی ها و ناهماهنگی هایی می شود. شاعران برای اینکه این ناهماهنگی را به همواری، تبدیل کنند و از ناهمواری های ایجاد شده در سخن بپرهیزند، از قابلیت هایی بهره می برند که به آن «اختیارات شاعری^(۱)» می گویند. این اختیارات به دو نوع «زبانی» و «وزنی» تقسیم می شوند.

اختیارات زبانی

اختیاراتی که شاعر با نحوه بیان و شیوه تلفظ خود اعمال می کند. این اختیارات بر دو نوع است:

۱- لازم به ذکر است که شاعر در صورت نیاز از اختیارات زبانی و وزنی بهره می گیرد.



۱. حذف همزه

اگر پیش از همزه آغاز هجا، صامتی بیاید (همزه، بین یک صامت و یک مصوّت قرار گیرد) می‌توان آن را حذف کرد.

بیت زیر را می‌خوانیم:
 سعدی نظر^{*} از رویت کوتاه نکند هرگز و ر روی بگردانی، در دامت آویزد
 سعدی

سَع دِی نَ	ظَ رَز رِوِی تَ*	کُ نَد هَر گِزِ	پایه‌های آوایی
وَر رِوِی	بِ گَر دانی	نَ تا وی زَد*	
مفعول	مفاعیلن	مفعول	وزن

با خوانش درست بیت و تعیین پایه‌های آوایی، می‌بینیم که وزن این بیت، هَمسانِ دولختی است.

اکنون همین بیت را با قراردادن نشانه‌های هجایی می‌سنجیم تا به این اختیار شاعری بیشتر پی ببریم:

سَع دِی نَ	ظَ رَز رِوِی تَ*	کُ نَد هَر گِزِ	
U - -	- - - U	- - - U	
وَر رِوِی	بِ گَر دانی	نَ تا وی زَد*	
U - -	- - - U	- - - U	
مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن

با توجه به پایه‌های آوایی بیت و مقایسه هجاهای دو مصراع، پی‌می‌بریم که شاعر در هجای پنجم مصراع اول و دوازدهم مصراع دوم از اختیار زبانی حذف همزه استفاده کرده است. اگر بیت را بدون حذف همزه می‌خواندیم، بی‌شک، وزن اصلی بیت، حاصل نمی‌شد. ●



۲. تغییر کمیت مصوت‌ها

شاعر در مواردی خاص مختار است که به ضرورت وزن شعر، مصوت کوتاه را بلند یا مصوت بلند را کوتاه تلفظ کند:

الف) بلند تلفظ کردن مصوت‌های کوتاه

گاهی شاعر بنا به ضرورت، کسره اضافه، «و» (ضمه) عطف یا ربط و نیز مصوت‌های کوتاه پایان کلمه را بلند به حساب می‌آورد:
به نمونه زیر توجه کنید:

نسیم صبح را گفتم که با او جانبی داری کز آن جانب که او باشد، صبا عنبرفشان آید

سعدی

نِ بی داری - - - U	کِ با او جا - - - U	ح را گُفتم - - - U	نَ سی مِ صُب - - - U
فِ شانا ید - - - U	صَ با عن بر - - - U	کِ او با شد - - - U	کِ زانِ جانِب - - - U*
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

حذف همزه

شاعر در هجای سوم مصراع اول این بیت، کسره اضافه پایانی واژه را بلند تلفظ کرده است تا با هجای معادلش در مصراع بعد، همسان گردد و وزن بیت «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» به دست آید.

اکنون بیتی دیگر:

به صد جان آرزد آن رغبت که جانان نخواهم گوید و خواهد به صد جان

نظامی

	حذف همزه*	حذف همزه*
کِ جانان - - U	ز دان رغبت - - - U	بِ صد جانر - - - U
بِ صد جان - - U	یِ دُ خاهد - - - U	نَ خاهم گو - - - U
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

شاعر در هجای ششم مصراع دوم، برای همسانی هجاها و رسیدن به آهنگ و وزن مناسب بیت، به ضرورت، «و» ربط را به صورت کشیده تلفظ کرده است تا هجای بلند به شمار آید.

به بیت زیر توجه کنید:

همه کارم ز خود کامی به بدنامی کشید آخر

نهان کی ماند آن رازی کز او سازند محفل ها

حافظ

حذف همزه

کِ شِیِ دَا خِر - - - U	بِ بَدِ نَا مِی - - - U	زِ خُدِ کَا مِی - - - U	هَـ مِ کَا رَمِ - - - U
دَمَحِ فِیْلِ هَا - - - U	کَ زُو سَا زَن - - - U	نَ دَانِ رَا زِی - - - U	نَ هَانِ کِی مَا - - - U
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

شاعر در هجای دوم مصراع اول بیت بالا، مصوت کوتاه پایان کلمه را بلند تلفظ کرده است. در مثال زیر، شاعر /ـ/ در واژه «تو» را به ضرورت وزن شعر، بلند در نظر گرفته است تا ناهمواری در آهنگ و وزن شعر پدیدار نگردد.

تو کجایی تا شوم من چاکرت چارقت دوزم کنم شانه سرت

مولوی

چَا کِ رَتِ - U -	تَا شَ وَ مَ نِ - - U -	تُ کُ جَا یِ - - U -
نِ سَ رَتِ - U -	زَمِ کُ نَمِ شَا - - U -	چَا رُقَّتِ دُو - - U -
فاعِلن	فاعِلاتِن	فاعِلاتِن



همچنین در هجای نهم مصراع دوم مصوت کوتاه /- / را نیز بلند در نظر گرفته است، این مورد از اختیارات زبانی شاعر است تا از دو نوع تلفظ، آن را که برای آهنگ شعرش مناسب تر است، در نظر بگیرد.

● شاعران به ندرت مصوت کوتاه /- / را بلند در نظر گرفته اند:

نه سبو پیدا در این حالت، نه آب خوش ببین و الله اعلم بالصواب

مولوی

لَتَنْ أَب	دا دَرینِ حَا*	نَسَبُو پِی*
- U -	-- U -	- - U
بِصَّ صَ وَاب	لَا هُ أَعْ لَمْ	خُشِّ بِ بَیْنِ وَ لْ*
- U -	- - U -	- - U -
فاعلن	فاعلاتن	فاعلاتن

(ب) کوتاه تلفظ کردن مصوت های بلند

در کلماتی که به مصوت بلند /و/ و /ای/ ختم می شوند، اگر بعد از آن مصوت ها، مصوتی بیاید، شاعر اختیار دارد که مصوت های بلند /و/ و /ای/ را کوتاه تلفظ کند. ضمناً میان دو مصوت، صامت «ی» قرار می گیرد که آن را «ی» میانجی می نامند.

در دام فتاده آهوئی چند محکم شده دست و پای در بند

نظامی

بِی چَند	تا دِ آ هُو*	در دا م ف
- -	ُ U -	U U --
دَر بَند	دَسْتُ پَا ی	مُحْ كَمْ شُدِ دِ
- -	U - U -	U U --
فع لن	فاعلاتُ	مستفعلُ



هجای هشتم مصراع اول بیت، بلند و هجای معادلش در مصراع دوم کوتاه است. هجای کوتاه مصراع دوم را نمی‌توان بلند تلفظ کرد؛ اما هجای بلند مصراع اول را کوتاه تلفظ می‌کنیم تا با معادل خود در مصراع بعد همسان گردد.

همچنین در مثال زیر، مصوت بلند /و/ در واژه «ابرو» که به ضرورت وزن، کوتاه تلفظ می‌شود:

پیش کمان ابرویش لابه همی کنم؛ ولی

گوش کشیده است از آن گوش به من نمی‌کند

حافظ

کُنْمَ وَ لَى	لَا بِ هِ مَى	نِ اَبِ رُو یَش *	پى ش كَ ما
- U - U	- U U -	- U - U	- U U -
نِ مِی كُنْد	گوش بِ من	دِ اَسَتْ زان *	گوش كِ شى
- U - U	- U U -	- U - U	- U U -
مفاعِلن	مفتعلِن	مفاعِلن	مفتعلِن

توجه (۱)

● مصوت بلند /و/ در کلمات تک‌هجایی بو، رو، جو، مو و ... هیچ‌گاه کوتاه نمی‌شود؛ اما در کلمه «سو» در صورت اضافه شدن به کلمه‌ای دیگر، ممکن است کوتاه شود:

پس سوی کاری فرستاد آن دگر تا از این دیگر شود او باخبر

مولوی

دان دِ گَر *	رى فِ رِس تا	پَس سَوِى كا *
- U -	- - U -	- U -
باخ بَر	گَر شَ وُد او	تا اَ زین دى *
- U -	- - U -	- - U -
فاعِلن	فاعِلاتِن	فاعِلاتِن



توجه (۲)

نیاز خیابان بیابان روحانیون

مصوت بلند / (ی) / در کلماتی مانند: بیا، گیاه، عامیانه، زیاد، سیاست، پیاموز، قیامت و واژه‌هایی از این قبیل بیاید، همواره کوتاه است:

بیا تا قدر یکدیگر بدانیم که تا ناگه ز یکدیگر نمایم

مولوی

بِ یا تا قَد	رِ یکِ دِی گَر	بِ دا نِیم
U - - -	U - - -	U - -
کِ تا نا گَه	زِ یکِ دِی گَر	نِ ما نِیم
U - - -	U - - -	U - -
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعی

خودارزیابی



۱ مصوت بلند «ی» در چه صورت همیشه کوتاه و مصوت بلند «و» در چه صورت همیشه بلند تلفظ می‌شود؟

۲ تقطیع مثال‌های زیر، به صورتی که بین کمانک تقطیع شده است، با کدام اختیارات شاعری مطابقت دارد؟

U - U - -	- U - -	- - -
آهوی دشت	ساقی ما	جادویی
(U--U-)	(-UU-)	(-U-)
U - U	- U -	- U - U - U
بِهانه	سوی من	درخت دوستی
(--U)	(-UU)	(-U---U)
	U - U U	- - U
	شب و روز	تو گفتی
	(U--U)	(---)



۳ پس از تقطیع هجایی ابیات زیر، اختیارات شاعری زبانی به کاررفته در هر کدام را مشخص کنید.

(الف) گفت: ای پسر این نه جای بازی است * * * * *
بشتاب که جای چاره‌سازی است *

نظامی

(ب) فریاد که در رهگذر آدم خاکی * * * * *
بس دانه فشاندند و بسی دام تنیدند *

فروغی بسطامی

(پ) بر همه اهل جهان سیّد و سرور علی است * * * * *

مفتعلن فاعلن

در ره دین خدا، هادی و رهبر علی است *

قدسی مشهدی

(ت) ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی * * * * *

چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی *

عراقی

(ث) تفرّج‌کنان در هوا و هوس * * * * *
گذشتیم بر خاک بسیار کس

سعدی

(ج) من نمی‌گویم زبان کن یا به فکر سود باش * * * * *

ای ز فرصت بی‌خبر در هر چه هستی، زود باش *

بیدل

(چ) بیچارگی * * * * *
در چاره‌گری زبان کشیدند * * * * *
چو دیدند * * * * *

نظامی

(ح) خلد گر به پا خاری * * * * *
چه سازم به خاری که در دل نشیند؟ *

طیب اصفهانی

(خ) همه برگ بودن همی ساختی به تدبیر رفتن نپرداختی

سعدی

(د) آمد سوی کعبه سینه پر جوش چون کعبه نهاد حلقه در گوش

نظامی

(ذ) سوی چاره گشتم ز بیچارگی ندادم بدو سر به یکبارگی

فردوسی

(ر) نکوهش مکن چرخ نیلوفری را برون کن ز سر باد و خیره سری را

ناصر خسرو

